

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اولگا چتوریکووا\* - (Olga chetverikova)

برگردان و پی نوشت از: ا. م. شیری

۱۳ می ۲۰۱۴

## فرانسه زیر سیطره صهیونیسم



اولگا چتوریکووا

برگزاری انتخابات شهرداریها در فرانسه در اواخر ماه مارچ به شکست سوسیالیستها و پیروزی نیروهای راست میانه رو منجر گردید. در حالی که حزب سوسیالیست به ریاست فرانسوا اولاند تنها ۴۲ درصد آرای رأی دهندگان را به خود اختصاص داد، حزب اتحاد برای جنبش مردمی با برخورداری از ۴۹ درصد آرای رأی دهندگان، بیشتاز انتخابات بود. جبهه ملی مارین له پن نیز با کسب بیش از هزار نمایندگی شهرداریها در این انتخابات، به بزرگترین پیروزی در تاریخ خود دست یافت.

انتخابات در فضای افست شدید محبوبیت فرانسوا اولاند برگزار گردید. بسیاری از تحلیلگران بر این تصور بودند که حداقل پیامد انتخابات، استعفای منفورترین اعضای کابینه- ژان مارک ایرو، نخست وزیر، لوران فابیوس، وزیر امور خارجه و مانوئل والس، وزیر کشور خواهد بود. اما این تصورات واقعیت نیافتند. لوران فابیوس در مقام خود ابقاء شد و مانوئل والس منفور به مقام نخست وزیری ارتقاء یافت. ایرو، همانطور که مارین له پن اظهار داشت، «نقش گوسفند قربانی را بازی کرد»: چهره ها تغییر کردند، ولی همان سیاست ادامه دارد.

تعویض رئیس دولت در ۳۱ ماه مارچ، درست روزی که کنگره جهانی یهود به نام «دست دیپلماتیک خلق یهود» کار خود را در پاریس آغاز کرد، اتفاق افتاد. شایسته توجه است که اجلاس کنگره را رسانه های عمده فرانسه بازتاب ندادند. رهبری کنگره که دیوید روچیلد فرانسوی و روژه کوکیرمان، رئیس کمیته نمایندگان نهادهای یهودی فرانسه عضو آن هستند، طی گزارش مطبوعاتی خود اعلام کرد، کنگره از مبارزه والس، نخست وزیر جدید علیه احساسات ضد یهودی پشتیبانی می کند و هر اقدامی را که در جهت محدود کردن آزادی بیان به عمل بیاورد، قانونی می شمارد. کنگره از فرانسوا اولاند نیز چنان تقدیر شایسته ای به عمل آورد که موجب رضایت خاطر شدید ژاک آتالی، مربی اولاند و گلوبالیست شناخته شده حاضر در جلسه کنگره گردید.



چنین همدلی، نزدیکی رئیس جمهور و نخست وزیر جدید فرانسه به لابی صهیونیسم جهانی را یک بار دیگر به اثبات رساند. مانوئل والس در اینجا نقش ویژه ای ایفاء می کند. او نه تنها با کمیته نمایندگان نهادهای یهودی فرانسه، این ساختار عمده لابی صهیونیسم در فرانسه، حتی با کمیته یهودیان امریکا، مرکز سیمون ویزنتال و سازمان صهیونیستی «شبکه اروپائی رهبری» (ELNET) که به منظور لابیگری منافع محافل تجاری اسرائیل در سال ۲۰۰۷ در اروپا تأسیس گردید، روابط بسیار گسترده ای دارد.



النت (ELNET) فعالانه به بازیهای سیاسی مشغول است. به عنوان مثال، این ساختار در اتخاذ مواضع آشتی ناپذیر فرانسه نسبت به برنامه هسته ای ایران نقش تعیین کننده ای بازی می کند. این موضوع را لاری هچبرگ، یکی از مهره های برجسته در لابی امریکائی کمیته روابط اجتماعی امریکا و اسرائیل (AIPAC) و مدیر نهاد «دوستان نیروهای دفاعی اسرائیل»، تاجر شیکاگوئی، رئیس و یکی از مؤسسان النت در شماره دسمبر «The Jewish Journal»، هفته نامه جامعه یهودی کالیفورنیا نوشت. او تصریح کرد که سازمان او دولتمردان اروپائی را به طور موفقیت آمیز تحت تاثیر قرار داده و سمتگیری سیاستمداران فرانسه به طرف اسرائیل نیز به معنای نزدیکی شاخه فرانسوی النت به کاخ الیزه تلقی می شود. از طریق النت سالانه یک و نیم میلیون دالر به سیاستمداران انتخابی فرانسه پرداخت می شود. بنا به اذعان هچبرگ، در زمان انتخاب رئیس حزب سوسیالیست در سال ۲۰۱۱، یک سوم این پول برای کمک به پیروزی اولاند در مقابل مارتین اوری، که موضع طرفدار فلسطینی وی با سیاستهای اسرائیل سازگار نیست، به اولاند پرداخت شد. در نتیجه رسانه های صهیونیستی فرانسه در طول سالیان زیادی از اولاند حمایت کردند. هچبرگ برای اثبات تأثیرگذاری خود خاطرنشان کرد، که هنگام دیدار رئیس جمهور فرانسه از اسرائیل در سال ۲۰۱۳، آریه بن سمون، مدیر اجرائی النت او را همراهی می کرد. ضمناً، ر. کوکیرمان، رئیس کمیته نمایندگان نهادهای یهودی فرانسه نیز جزو شاخه فرانسوی النت می باشد.

النت در نظر دارد نامزدهای خود را برای انتخابات ماه می پارلمان اروپا معرفی نماید. شاخه فرانسه تشکیلات به همراه وزارت دفاع فرانسه در ماه نومبر سال ۲۰۱۳ در چهارچوب «مذاکرات ستراتیژک فرانسه و اسرائیل» سفر نمایندگان فرانسوی فراکسیون «اکولوژی سبز اروپا» در پارلمان اروپا را به اسرائیل و اراضی فلسطین سازماندهی کرد، و همچنین هزینه سفر بسیاری از خبرنگاران رسانه های پیشرو فرانسه (له موند، له فیگارو، ماریان، لیبراسیون، له پوینت، نوئل آیزرواتور، اکسپرس، ار اف آی، تلویزیون بی اف ام) و استادان دانشگاههای فرانسه را تأمین کرد.

مانوئل والس، وزیر کشور سابق و نخست وزیر کنونی فرانسه نیز به این تشکیلات متکی است. والس در سال ۱۹۶۲ در بارسلون در یک خانواده کاتولیک به دنیا آمد. در ۱۸ سالگی به عضویت حزب سوسیالیست فرانسه در آمد، سپس به جناح لیبرال آن پیوست. در سالهای ۱۹۸۹-۲۰۰۲ او به لژ «شرق کبیر فرانسه» ملحق شد و هم اکنون جزو تشکیلات بسته ماسونی «قرن» (LeSiècle)، متحد کننده قدرتمندترین عناصر طبقه حاکم فرانسه می باشد. در سال ۲۰۰۸ به اجلاس گروه بیلدبرگ دعوت شد. رئیس کمیته رهبری گروه بیلدبرگ، اتن داوینون اظهار داشت که به اجلاس گروه دو دسته از افراد دعوت می شوند: کسانی که در قدرت اند و توانایی حل بسیاری از مسائل را دارند و کسانی که در آستانه شهرت یافتن هستند و به مثابه فرد با چشم انداز محسوب می شوند. والس نیز به عنوان فرد «با چشم انداز» دعوت شد؛ در حضور وی تصمیم گرفته شد، که شرکت او در اجلاس بیلدبرگ باید به «چشم بستن او به برخی مسائل» کمک نماید.

امروز والس به روی مبارزه برای احراز مقام ریاست جمهوری فرانسه تمرکز کرده است. او به لحاظ دیدگاهی جهانگراست و فاصله بسیار زیادی با سوسیالیسم ارتدوکسی فرانسه دارد. در مسائل اقتصادی او لیبرال است و در عرصه سیاست داخلی او از روشهای خشن کنترل جامعه طرفداری می کند. آنچه به نقطه نظرات وی در باره سیاست خارجی مربوط می شود، این است که او حامی بی قید و شرط بلوک ناتو، متمایل به محور واشنگتن- تل آویو و «متعهد مطلق به اسرائیل» می باشد.



صرفنظر از خود مقامی که تا همین اواخر والس برعهده داشت (وزیر کشور و به موازات آن وزیر فرهنگ)، پایبندی روشن به اصول لائسیته ایجاب می کند، که او این اصول را فقط در رابطه با کاتولیکها و مسلمانان رعایت نموده و به حمایت اکید از جامعه یهودی فرانسه ادامه دهد. به همین سبب، مناسبات او، هم با کاتولیکها و هم با مسلمانان تیره و تار است. بنیادگرایان ارزیابی منفی والس علیه «ازدواج برای همه» را هم به عنوان محکومیت آشکارا دیر هنگام او از اقدام کفرآمیز «فمین» در کلیسای کاتولیک منصرف کردند.



در ماه جون سال ۲۰۱۱، او به شهردار اوری گفت: «من به واسطه همسرم برای همیشه به جامعه یهودی و اسرائیل پیوسته ام». والس در ماه مارچ سال ۲۰۱۲، در کنگره جامعه یهودیان فرانسه، اسرائیل را «مرکز معنوی یهودیان سراسر جهان» نامید و در ماه اپریل همان سال ضمن شرکت در اولین کنگره «دوستان اسرائیل»، سند فوق افراطی صهیونیستی تحت عنوان «منشور دوستان اسرائیل» را امضاء کرد.

همان وقت نیز که والس با تقبیح ضدصهیونیسم، آن را مساوی با ضدیهودیت و غیرقابل قبول خواند، «همزیستی بین جمهوری و جامعه یهودیت فرانسه» را مورد تأکید قرار داد. و در مراسم سال نو یهودی در سال ۲۰۱۲ اظهار داشت که «یهودیان فرانسه می توانند با افتخار لباس خود را بپوشند» و البته که «تعلق خاطر یهودیان فرانسه به کشور خود نمی تواند مانع همبستگی آنها با خاک اسرائیل بشود». این اظهارات با سخنان او در مقابل مسلمانان که پوشیدن حجاب را به عنوان تخلف از «اصول لائیسیته» بر آنان ممنوع کرد و از آنها خواست فقط به یک کشور دلبستگی داشته باشند، در تضاد مطلق قرار می گیرد.



والس یکی از افراد نزدیک به رونالد لائودر، رئیس کنگره جهانی یهودیان، همچنین، عضو هیأت رئیسه کنگره یهودیان روسیه است. این میلیاردر امریکائی، معاون وزیر امور خارجه امریکا در امور اروپا و ناتو در دوره ریاست جمهوری ریگان، حامی مالی سازمانهای امنیتی اسرائیل، مخالف سرسخت شناسائی فلسطین در سازمان ملل متحد و یکی از برجسته ترین عناصر محور واشنگتن- تل آویو شمرده می شود. در ماه فبروری سال ۲۰۱۳ هنگام استقبال از اعضای کنفرانس سازمان یهودیان امریکا در کاخ الیزه که والس نیز حضور داشت، فرانسوا اولاند رونالد لائودر را با نشان افتخار لژیون فرانسه تملیف کرد. ناگفته نماند که داشتن این نشان به معنای بالاترین افتخار و به رسمیت شناختن ویژه و خدمات چشمگیر به فرانسه تلقی می شود. همانطور که دوگل گفت: «لژیون افتخار، یعنی جامعه نخبگان زنده». والس هنگام ملاقات وزیر امور خارجه اسرائیل، آویگدور لیبرمان با همتای فرانسوی خود، فابیوس در ماه فبروری سال ۲۰۱۴ در پاریس، و با نمایندگان مجلس و رهبران جامعه یهودی فرانسه راجع به مسأله ایران نیز حضور داشت. رسانه های پیشرو فرانسه این دیدارها را هم بازتاب ندادند.

والس می گوید: «من تمام مسؤولیت‌های روزانه زندگی ام را وقتی انجام شده تلقی می کنم که آن روز یک سنگ محکم برای تحکیم اسرائیل گذاشته باشم». وابستگی او به ساختارهای صهیونیستی تنها با روابط خویشاوندی وی توضیح داده نمی شود. در ماه می سال ۲۰۱۱ او همراه با چند تن از سیاستمداران فرانسوی برای جلب کنشگران اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف جهان برای ارائه یک تصویر مثبت از اسرائیل، در برنامه مؤسسه «پروژه مبادله» تدوین شده به واسطه کمیته یهودیان امریکا در سال ۱۹۸۲ مشارکت نمود. به منظور تحقق این امر، سمینارهای آموزشی ویژه، دیدارها و مسافرتها تشکیل می گردد. کمیته یهودیان امریکا که در کار سازماندهی سفرها به اسرائیل بیش از ۳۰ سال تجربه دارد، با گزینش چهرهای متنوع از دنیای سیاسی، مالی، فرهنگی، روزنامه نگاری و کمک به برقراری روابط تنگاتنگ بین آنها و سپس پیشبرد سیاست توافق شده مشغول است. کمیته یهودیان امریکا ۵۰۰ هزار دلار برای هر شرکت کننده در این برنامه هزینه می کند. از قضای روزگار، والس روز ۱۴ مارچ، درست همان روز که دومینیک استروس کان، نامزد اصلی سابق سوسیالیستها و برتر از نیکولا سارکوزی در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در نیویورک دستگیر شد، همکاری خود را با این برنامه آغاز کرد.

دوستی ۳۰ ساله با استفان فوکس و آلن پاونر نیز یکی از مبانی روابط مستحکم والس با صهیونیسم به حساب می آید. اولی، متخصص ارتباطات و عضو کمیته نمایندگان نهادهای یهودی فرانسه و دومی، جنائی نویسنده، وزیر امنیت ملی در دوره سارکوزی، سابقاً استاد بزرگ «شرق کبیر فرانسه»، همچنین نزدیک به کمیته نمایندگان نهادهای یهودی فرانسه و همکار نزدیک سازمانهای امنیتی امریکا و اسرائیل است.

انتصاب والس به مقام نخست وزیری، پاسخ دوایر حاکمه فرانسه بود به افکار عمومی جامعه فرانسه که در انتخابات شهرداریها عملاً مشی اولاند و سوسیالیسم جهش یافته او را زیر سؤال برد. از حزب سوسیالیست اولاند فقط نام آن باقی مانده است و تصادفی نبود که والس کلمه «سوسیالیسم» را مربوط به قرن نوزده دانست و به طور کلی حذف آن را پیشنهاد کرد.



برگماری والس به مقام نخست وزیری فرانسه، ماهیت طبقاتی حزب سوسیالیست فرانسه را کاملاً آشکار ساخت. والس همان سارکوزی «چپ» و تجسم کلماتسو است که فرانسویها از او به عنوان «فردی که طبقه کارگر را به رگبار بست»، یاد می کنند. اولین کاری که نخست وزیر جدید فرانسه انجام داد، این بود که از متی لازار پیگاس، مدیر بانک امریکائی-فرانسوی که برای «تعیین آینده فرانسه» آمده بود، میزبانی کرد. پیگاس، این مشاور سابق استروس کان، به عنوان ارباب مطبوعات فرانسه، آدمی نزدیک به فابیوس در دوره همان نخست وزیر و، بالاخره، بانکدار بزرگ

شناخته می شود. بانک او که در سال ۲۰۱۲ پیشتر بازار جمع آوری و ادغام شناخته شد، در تجدید ساختار بدهی یونان نقش اصلی را بازی کرد.

نتایج فعالیت والس در پست وزارت کشور به خودی خود بسیار گویا هستند: در سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۳ ابعاد خشونت، ۲ و ۹ دهم درصد، تجاوزات جنسی، ۱۰ و ۴ دهم درصد، حمله به اموال، ۳ و نیم درصد، دزدی و سرقت، ۹ و ۳ دهم درصد، قتل و انتقام، ۱۰ و ۳ دهم درصد، جعل و تقلب، ۱۴ و نیم درصد، سرقت مسلحانه، ۸ و ۴ دهم درصد، تجارت مواد مخدر، ۱۰ و ۲ دهم درصد، سازماندهی انفجارات، ۳۳ و ۷ دهم درصد افزایش یافت.



هم حزب فرانسوا اولاند و هم حزب نیکولا سارکوزی امروز از منافع همان محافل حاکمه که رهبران برجسته آنها در باشگاه فراماسونری «قرن» نشسته و به سهم خود یکی از حلقه های شبکه فراملیتی فعال در سراسر جهان هستند، دفاع می کنند. اقدامات سخنگویان «چپ» و «راست» این منافع نباید ما را متعجب سازد. پشتیبانی دیوانه وار دولت فراماسونری فرانسه از رژیم نازی و تحت حمایت مالی الیگارشسی اسرائیل در کییف نیز نباید تعجب ما را برانگیزد... با این حال، نخبگان جهانی هر قدر که متحدتر عمل می کنند، مقاومت آگاهانه مردم به مراتب بیشتر از آن شدت می گیرد و افراد معتمد و قادر به گفتار به زبان مردمی را از میان خود برمی گزینند. در عین حال، بسیاری از سیاستمداران حرفه ئی در غرب با علم به ماهیت فاجعه بار آزمایشات اجتماعی فراگیر کنونی، اینک با چرخشی از مدتها پیش قابل انتظار از فرمول ایدئولوژیک انتزاعی، به سوی بیان منافع واقعی مردم روی می آورند. بنا بر این، باید روی همین نیروهای سیاسی اروپا تمرکز کرد.



فرانسوا آسلینو

در میان چنین نیروها، نیروهای دارای ظرفیتهای فکری قابل ملاحظه، مثل **اتحاد خلق جمهوریخواه** به رهبری **فرانسوا آسلینو**، محقق بزرگ، گلیست پیگیر و تدوین کننده برنامه احیای ملی فرانسه وجود دارند. **اتحاد خلق جمهوریخواه** با صدور بیانییه ای در ۱۹ ماه مارچ سال جاری، خواستار استعفای فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه شد و فعالیتهای او را در مغایرت مطلق با منافع فرانسه خواند. در اطلاعیه آمده است: «فابیوس از همان ابتدای فعالیت خود به سرعت مرتکب اشتباه دیپلماتیک بی سابقه در تاریخ کشور ما شد... سیاست جانبدارانه او از امریکا به کارشکنی در همه عرصه های منافع دیپلماتیک، اخلاقی، اقتصادی و صنعتی فرانسه منجر گردید. سیاست او حقوق بین المللی را نادیده می گیرد. کاربست دائمی استانداردهای دوگانه از طرف وی، بی اعتباری و مزورانه بودن صدای فرانسه را نشان داد. از میان بزرگترین شکستهای فابیوس به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- سیاست به رسمیت شناختن گروههای تروریستی مخالف سوریه او را به بن بست سوق داد. فابیوس با کاربرد واژه های کانگستری اعلام کرد که خواهان مرگ یک رهبر خارجی- رئیس جمهور سوریه است. او گفت: «**بشار اسد حق حیات در روی زمین را ندارد**»؛

- برقراری تحریمهای خلاف موازین سازمان تجارت جهانی و منافع صنایع فرانسه علیه ایران با اطاعت مطلق از دستور اوباما؛

- موافقت با شرکت در «بازار بزرگ اقیانوس اطلس» موجب ویرانی اقتصاد فرانسه گردید؛

- بی عملی و بی واکنشی کامل در قبال جنجال شنود شهروندان و مقامات فرانسه؛

- حمایت دولت فرانسه از کودتای امریکا و گروههای ماورای راست علیه دولت قانونی اوکراین که با تخلف از اصل ۲ منشور سازمان ملل متحد و اصل ۱۱ قانون اساسی اوکراین به وقوع پیوست؛

- در رابطه با اینها، فابیوس جرأت کرد ضمن دیدار با **اولگ تیگنیوک**، رئیس حزب نئوفاشیست «سوابودا» (آزادی)، دهمین تشکیلات خطرناک در فهرست تنظیمی توسط **مرکز سیمون ویزنتال** از سازمانهای خطرناک ضد یهودی، دیدار کرده و به نام خلق فرانسه علناً از او پشتیبانی نماید؛

- امتناع از به رسمیت شناختن نتیجه همه پرسی کریمه با دیکته و اشنگتن، که قطعاً به تخریب طولانی مدت روابط فرانسه با روسیه منجر خواهد گردید.

### **پی نوشت مترجم:**

۱- مقاله حاضر در ۹ اپریل ۲۰۱۴، پس از اعلام نتایج انتخابات شهرداریها در فرانسه انتشار یافته و در همان تاریخ نیز به زبان فارسی ترجمه کرده بودم. اما تصحیح خطاهای چاپی، املائی و احتمالاً انشائی آن به دلیل پیش آمدن وضعیت فوق العاده، تا امروز به تعویق افتاد. با این وجود، چون مقاله موضوعیت خود را از دست نداده است، بدینوسیله آن را به علاقه مندان مسائل و موضوعات سیاسی تقدیم می دارم.

۲- همانطور که ملاحظه می فرمائید، در بخشی از مقاله چنین آمده است: «**پشتیبانی دیوانه وار دولت فراماسونری فرانسه از رژیم نازی و تحت حمایت مالی الیگارشسی اسرائیل در کییف نیز نباید تعجب ما را برانگیزد...**». اشاره به **حمایت مالی الیگارشسی اسرائیل از رژیم نازی در کییف** (اوکراین) یادآور این واقعیت تاریخی است که کشتار یهودیان به دست نازی های المان را نیز انجمن صهیونیستی نگلیس تحت رهبری روچیلدها سازماندهی نموده و مخارج آن را تأمین می کرد.

۳- رسانه ها، مقامات، سیاست پردازان و تنوریسین مرتجع غرب ادبیات سیاسی را چنان تحریف و تخریب کرده، کلمات و عبارات را از مفهوم و محتوای خود تهی ساخته اند که مثلاً، هر جا که کلمه انقلاب به گوش می رسد، بی

اختیار، «انقلابات رنگی» در هر ذهن بیداری متبادر می شود و یا هر وقت که کلمات و عبارات «دمکراسی» و «حقوق بشر» بر زبان یا قلم کسی جاری می شود، بلافاصله، حملات نظامی کشورهای غربی علیه کشورهای مختلف جهان، قتل عام خلقهای ستمدیده آنها از راه بمبارانهای جنون آمیز شهرها و سایر مراکز مسکونی و یا در اثر انفجارات تروریستی در جلو هر چشم بینا مجسم می گردد. اینگونه تحریفات و تهی ساختن کلمات و عبارات از محتوای واقعی خود در رابطه با کلمات صهیونیسم و یهودیت، صهیونیستها و یهودیان نیز مصداق پیدا می کند. به عبارت روشنتر، مبلغان و سیاست بازان امپریالیسم جهانی مفاهیم صهیونیسم و یهودیت را با هدف متهم ساختن هر آنتی صهیونیست به یهودی ستیزی چنان در هم ادغام و عجین کرده اند و یا یهودیان را چنان با صهیونیسم پیوند داده اند که تشخیص و تمیز آنها از همدیگر را عملاً دشوار می سازد. در یک کلام و به طور کلی، در ادبیات سیاسی زبان اصلی این مقاله و یا توسط مترجم هر جا که اجباراً کلمات یهودیت یا یهودیان به کار برده می شود، به مفهوم همان صهیونیسم، ارتجاعی ترین ایدئولوژی بورژوائی و صهیونیستهاست نه یهودی ستیزی ادعائی ارتجاعیون امپریالیستی.

\* نامزد دکترای علوم سیاسی، دانشیار دانشکده دولتی روابط بین المللی مسکو،

عضو آکادمی مسائل ژئوپلیتیک و مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه به نام «سرگئی فیودورویچ شاراپوف»،

کارشناس تاریخ و سیاست کشورهای اروپا و امریکای لاتین

<http://www.russiapost.su/archives/21829>

۲۳ اردیبهشت- ثور ۱۳۹۳